



در شماره گذشته، قسمت اول از مصاحبه مشروح و مفصل مجله گزارش، با مهندس سید علی میلانی مدیرعامل بانک کشاورزی را مطالعه کردید.

در همان شماره گفته شد که: با توجه به موفقیت اخیر ایران در میان مؤسسه‌های اعتباری کشاورزی جهان و انتخاب مدیرعامل بانک کشاورزی ایران به عنوان نایب‌رئیس کنفدراسیون بین‌المللی مؤسسات اعتباری

کشاورزی (CICA) گفت و گویی با مهندس میلانی انجام داده‌ایم تا خوانندگان مجله بویژه مدیران دلسوز و فعال کشورمان را - که گروه عظیمی از خوانندگان مجله را تشکیل می‌دهند - در جریان مسائل مربوط به (CICA) و موفقیت‌های کشورمان در آن، و نیز در جریان موقعیت فعلی بانک کشاورزی و جایگاه آن در سیستم پولی و بخش کشاورزی و دامپروری قرار داده باشیم.

## ● بخش دوم گفت و گو با مدیرعامل بانک کشاورزی

# ۱۰۰ میلیون تومان وام برای هر کشاورز!

اینک، بخش دوم از این گفت و گو:

■ گزارش: شما در باره برنامه‌هایی حرف زدید که در واقع برنامه‌های درازمدت بانک کشاورزی است. ولی ما در عرصه مدیریت و فرهنگ مدیریتی مان مشکلی داریم که وقتی با مدیران راجع به برنامه‌های آینده‌شان صحبت می‌کنیم، می‌گویند: چون مدیریت در مملکت ما تضمین و دوام و بقائی ندارد و من نمی‌دانم که خودم آیا هفته بعد یا همین فردا دوباره سر این کار هستم یا نه، پس از من انتظار برنامه‌های آینده و درازمدت را نداشته باشید. با وجود این حالا بگوئید که برای آینده بانک کشاورزی چه برنامه‌هایی دارید؟

■ مهندس میلانی: متأسفانه، حقیقت همین است که شما اشاره کردید و در دنیایی که کشورهای پیشرفته اصل را بر استخدام مادام‌العمر افراد و کارکنان خود گذاشته‌اند، در اینجا مدیریت‌های ما هیچ اطمینانی به دوام و بقای خود ندارند و این یکی از بزرگترین مشکلات سازمانها و مؤسسات ما و نهایتاً مشکل بزرگ کشور ما است. ولی خوشبختانه بانک‌ها تقریباً از این وضع، مستثنی هستند. به علت حساسیت مسایل پولی، در تمام دنیا سعی می‌کنند که بانک‌ها، مستقیماً در جریان

امواج سیاسی قرار نگیرند. در کشور خودمان نیز مدیرعامل یک بانک راه، ابتدا یک وزیر معرفی می‌کند، سپس مجمع عمومی بانک‌ها که مرکب از هشت وزیر است او را تأیید می‌کند و بالاخره وزیر دارایی به او حکم می‌دهد. علت طی کردن این فرآیند طولانی و پریچ و خم آن است که اولاً در انتخاب مسؤولان پولی کشور دقت بیشتری بشود، ثانیاً این افراد، نسبت به سایر مسؤولان امور، از ثبات بیشتری برخوردار باشند.

لذا مسؤولان درجه اول بانک‌ها، بدون نگرانی از اینکه جریانات سیاسی تا چه حدی به آنها اجازه ادامه کار می‌دهد، باید دست به برنامه‌ریزیهای درازمدت بزنند و در برنامه‌های درازمدت نیز، همچون برنامه‌های کوتاه مدت حضور قوی داشته باشند. به این اعتبار، بانک کشاورزی، امروز برنامه مشخصی برای چند سال آینده دارد.

■ گزارش: این برنامه چیست؟

■ مهندس میلانی: سیاست و حرکت بانک کشاورزی از دو جهت نشأت می‌گیرد: یکی سیاست‌های پولی و دیگری سیاست‌های کشاورزی.

ما در گذشته یک برنامه پنج‌ساله در ارتباط با نظارت بر طرح‌هایمان پایه‌ریزی کردیم و توانستیم

براساس آن، نسبت هزینه‌های جاری و سرمایه‌یی را که در شروع برنامه ۱۹ درصد بود، در طول یک برنامه، به ۵۵ درصد برسانیم. امروز مشکل نظارت بر طرح‌ها و چگونگی مصرف بهینه اعتبارات ما، به کلی حل شده است.

حالا ما، باز هم یک برنامه میان‌مدت و بسیار حساس داریم. می‌دانید که بانک کشاورزی، قبل از انقلاب یک بانک دولتی بود. لذا دولت منابع مورد نیاز را در اختیار این بانک قرار می‌داد، سپس این بانک، دستورات دولتی را، با همان منابع ارزان قیمتی که در اختیار داشت انجام می‌داد.

مثلاً توجه داشته باشید که در شروع کار حکومت جمهوری اسلامی، سرمایه بانک کشاورزی ۱۳۳ میلیارد ریال بود، حال آنکه مجموعه سرمایه‌های کلیه بانک‌های تجاری به ۱۳۲ میلیارد ریال می‌رسید.

بعد از انقلاب که همه بانک‌ها ملی شدند، قرار شد بانک‌های تجاری، جمع‌آوری کنند اعتبار و بانک‌های تخصصی، توزیع‌کننده آن اعتبار باشند. لذا دولت تشخیص داد که نیازی به افزایش سرمایه نیست و از این پس، بانک‌های تجاری باید منابع بانک‌های تخصصی را تأمین کنند. و با چنین

روندی، ما تا سال ۱۳۷۰ هم پیش رفتیم.

در سال ۷۰، پس از خاتمه جنگ و فرونشستن عوارض و عواقب حادثه ناشی از جنگ، سیاست‌های اقتصادی دولت، بر مبنای بازسازی اقتصاد کشور طراحی شد و حرکت به سوی آزادسازی و خصوصی‌سازی شروع شد که یکی از مهمترین ابزارهای آن نیز بانک‌ها بودند.

در چنین شرایطی، بانک‌ها که قبلاً دچار محدودیت‌هایی بودند، اجازه یافتند که دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دهند و در همه بخش‌ها فعالیت کنند. براین اساس بانک‌های تجاری میزان سود به سپرده‌گذاران را افزایش دادند و همچنین سود اعتباراتی را هم که به مردم می‌دادند اضافه کردند. نتیجه این شد که دیگر، بانک‌ها به بخش‌های سوسپند بگير با اکره پول می‌دادند، و طبعاً بانک کشاورزی هم که از سوسپند استفاده می‌کرد، دچار مشکلات و محدودیت‌هایی شد و لذا هم بانک کشاورزی و هم بخش کشاورزی، از سال ۷۰ به این طرف کمتر توانستند از اعتبارات بانک‌ها که سود آنها افزایش یافته بود، استفاده کنند. واقعیت این است که اگر در طول دو سال گذشته، کمک‌ها و تأکيدات و اصرار بانک مرکزی نبود، بانک‌های تجاری به وظایف خودشان که عمدتاً در قوانین بودجه هم قید شده، به خوبی عمل نمی‌کردند.

پس شما در چنین وضعی چه کردید و از عهده مسائل مالی بخش کشاورزی مملکت چگونه برآمدید؟

بانک کشاورزی به محض برخورد با این فضای جدید، یک برنامه‌ریزی درازمدت انجام داد. قبل از هرچیز به بررسی و راه‌حلیابی این مسئله پرداختیم که بانک کشاورزی چگونه می‌تواند بدون برخورداری از منابع دیگر، فقط به منابع خودش تکیه کند؟ لذا در قدم اول برنامه‌ریزی درازمدت برای تغییر ساختار سازمانی بانک طراحی کردیم. جالب است بدانید که بانک کشاورزی که در طول تمام تاریخ فعالیت خود ۴۸۰ شعبه تأسیس کرده بود (و البته از این تعداد هم ۳۰۰ تایش را بعد از انقلاب تأسیس کرده است) اکنون تصمیم دارد که در عرض فقط یک سال ۳۰۰ شعبه دیگر هم تأسیس و به این مجموعه اضافه کند. و جالب‌تر آنکه برای انجام این امر، ما حتی به دنبال استخدام یک نفر هم نیستیم. بلکه می‌خواهیم فقط با سازماندهی جدید و بهبود روش‌ها، این مهم را به انجام برسانیم و با استفاده بیشتر و بهینه‌تر از نیروهای انسانی خود، تعداد شعب بانک را در مدت یک سال به نزدیک دو برابر تعداد موجود برسانیم.

در مرحله اول این شعبه‌ها در روستاها ایجاد خواهد شد و در مرحله دوم، حومه شهرها را در نظر خواهیم داشت. و در مرحله سوم، ما هم چون بانک‌های تجاری در مناطق فعال تجاری شهرها حضور فعال خواهیم داشت. ملاحظه می‌کنید که

برای طراحی و اجرای این برنامه‌ها، اصلاً نمی‌توانستیم به این فکر کنیم که طول دوران خدمتی ما چقدر خواهد بود. چون در آن صورت، حتی یک قدم نیز در این راه نمی‌توانستیم برداریم. **■** به زبان خیلی ساده توضیح دهید که بانک کشاورزی، در کوتاه مدت، و مثلاً تا همین مدتی که به آغاز فعالیت‌های کشاورزی باقی مانده است، به کشاورزان چه خدماتی و چه امکانات و تسهیلاتی ارائه خواهد داد؟

تمامی هدف ما این است که با استفاده از ابزار سیاست‌های پولی و در راستای سیاست‌های بخش کشاورزی، اعتبار مورد نیاز کشاورزان را به موقع، سریع و به مقدار کافی تأمین کنیم. یکی از

## ● منتظر تصویب طرح «صندوق ضمانت طرح‌های کشاورزی» در شورای پول و اعتبار هستیم

## ● در چارچوب سیاست‌های خاص مملکت، با اجازه مجلس و تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی، امکان مشارکت با سرمایه‌گذار خارجی در کشاورزی وجود دارد.

مشکلات عمده ما این است که متأسفانه در میان روستائیان و کشاورزان فرهنگ پس‌انداز نداریم. البته سعی و امید ما این است که هم با ایجاد ارتباط بیشتر با کشاورزان و هم با اجرای برنامه‌هایی در جهت افزایش توان مالی آنها، بتوانیم سطح پس‌انداز آنها را که خود، پشتوانه‌ی برای بانک تواند بود، بالا ببریم.

ولی به طور کلی، ما در سالهای گذشته روش‌های اعتباری خود را تسهیل کرده‌ایم. مثلاً توانسته‌ایم مشکلاتی نظیر گرفتن وثیقه از زارعین را رفع کنیم. هم اکنون نیز مدتی است که طرحی را به شورای پول و اعتبار داده و منتظر تصویب آن هستیم که به عنوان «صندوق ضمانت طرح‌های کشاورزی» تنظیم و مطرح کرده‌ایم. براساس این طرح، آن دسته از طرح‌های بزرگ کشاورزی هم که فساد و وثیقه هستند، از طریق صندوق مزبور، ضمانت خواهند شد و اعتبار لازم را به دست خواهند آورد.

حالا باید گفت: آنچه به طور کلی در برنامه‌های بانک کشاورزی قابل لمس است، این است که ما، در سال گذشته حدود ۱۰۷۰ میلیارد ریال اعتبار بین روستائیان و کشاورزان توزیع کرده‌ایم، و چنانچه بانک‌های تجاری به تمهیدات خود عمل

کنند و اعتبار کافی در اختیار ما بگذارند امیدواریم بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد ریال تسهیلات اعتباری در این بخش توزیع کنیم.

**■ سقف این پرداخت‌ها چقدر است و به کشاورزان چگونه و در چه صورتی پرداخت می‌شود؟**

**■** البته سقف این اعتبارات برای هر فرد حقیقی یا حقوقی، در شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. ولی در هر حال، هم اکنون هر فرد حقیقی تا یک میلیارد ریال و هر فرد حقوقی، تا ۱۵ میلیارد ریال می‌تواند اعتبار دریافت کند. اما در ارتباط با خود روستائیان، با توجه به اینکه امکانات اجرایی هر کشاورز محدود است و معمولاً اینها کارهای بزرگ را به صورت اشتراکی عمل می‌کنند که معلوم نیست دقیقاً چند نفر دور هم جمع خواهند شد، سقف اعتبار اینگونه گروه‌ها نیز نامحدود است و بسته به شرایط و احتیاجات آنها، این رقم می‌تواند تا حدود خیلی بالایی نیز صعود کند. مثلاً اگر گروهی از کشاورزان در سطح یک روستا، دست به اجرای یک طرح ۳۰ میلیارد ریالی هم بزنند، امکان تأمین اعتبار وجود دارد و هیچ مشکلی از این جهت نداریم.

**■ اگر شخصی در یک روستا، کار غیر کشاورزی انجام دهد - با توجه به اینکه ما می‌خواهیم روستاهایمان مراکز بازرگانی مهاجران باشد - آیا بانک مجوز اعطای وام به او را هم دارد؟ یا مثلاً آیا شما به مؤسسه‌ای که کار کشاورزی می‌کنند، ولی سودده نیستند، وام می‌دهید؟ و بالاخره آیا اعتبارات بانک شما می‌تواند شامل اعطای تسهیلات اعتباری مانند بورسیه دادن به دانشجویان کشاورزی هم باشد؟**

**■** اگر منظورتان از کار غیر کشاورزی، از انواع کارهای تولیدی باشد که در سطح روستا انجام می‌شود، ما برای این نوع کارها، وام می‌دهیم. به عنوان مثال، در مواردی که جهاد سازندگی به طرح‌های صنعتی جواز بدهد، این نوع کارها تحت عنوان «صنایع روستایی» مشمول وام بانک ما هستند. ولی فعلاً برای کارهای خدماتی وام نمی‌دهیم، گرچه ممکن است در مراحل بعدی، برای این نوع کارها نیز اعتباری تخصیص بدهیم.

اما در مورد قسمت دوم سؤال شما باید گفت: چون وظیفه بانک، اساساً دادن تسهیلات به امور انتفاعی است برای آنکه گیرنده وام باید بتواند پول را بازپرداخت کند و سود وجوه مردم را برگرداند، با توجه به این نکته بسیار حساس و مهم است که ما نمی‌توانیم در حال حاضر، وام‌های تحقیقاتی، یا اصولاً وام به اموری که سودآور و انتفاعی نیستند بدهیم. البته ممکن است مواردی پیش آید که دولت سوسپند آن را تأمین کند، و تنها در چنان صورتی است که به اینگونه امور هم وام خواهیم داد. البته توجه داشته باشیم که خوشبختانه دولت، نسبت به اینگونه امور، نگرشی دقیق و واقع بینانه

بقیه در صفحه ۴۷

فرمانداری نظامی را از مضمون آن‌ها آگاه کنند بدیهی است که خواستاران راستین آزادی قلم و مطبوعات با آن روحیه خروشان که از پیروزی خود در مبارزه علیه سانسور به انقلابی، و از پیروزی خود در مبارزه علیه سانسور به دست آورده بودند، نمی‌توانستند در برابر این یورش وحشیانه علیه آزادی مطبوعات ساکت بمانند. آنها بار دیگر، صدای اعتصاب عمومی و مبارزه مجدد علیه سانسور را سردادند. به زودی این صدا مورد تأیید و حمایت اعضای تحریری و کارکنان اداری و کارگران فنی روزنامه آیندگان، و سپس نشریه‌های روزنامه و هفتگی مؤسسه‌های «اطلاعات» و «کیهان» قرار گرفت و همه با هم، تصمیم به اعتصاب گرفتند و قلم‌ها و ابزار کار را بر زمین گذاردند. هنوز دامنه اعتصاب به دیگر مطبوعات گسترش نیافته بود که مأموران فرماندار نظامی تهران، کارکنان مؤسسه‌های مطبوعاتی کیهان و اطلاعات را زیر فشار مستقیم گذاردند و خواستار تهیه و تنظیم و چاپ و انتشار خبرها و مطالبی شدند که خود دیکته می‌کردند.

اما اعتصابی‌های آیندگان، تقریباً همگی به شدت مقاومت کردند و نیز اعتصابی‌های روزنامه و چاپخانه کیهان حاضر به هیچ اقدامی موافق نظر فرماندار نظامی تهران نشدند، تالارهای تحریری این هر دو روزنامه به کانون‌های مقاومت اعتصابی‌ها مبدل شد. اما در تالار تحریری روزنامه اطلاعات وضع دیگری حکم فرما بود، در این جا گروهی قلم به مزد وابسته به رژیم که اغلب شان سالها جیره‌خوار سازمانهای دولتی و از کارگزاران آگهی بودند، با تکیه بر سرنیزه مأموران فرماندار نظامی به کارشکنی آغازیدند و با وجود قلت عده، فعالانه دست به کار تهیه یک روزنامه «هشت صفحه‌یی» شدند که تا ظهر آن روز (۱۵ آبان ۵۷) با نظارت کامل نظامیان به زیر چاپ رفت. چند صد نسخه از آنهم به چاپ رسید. ولی بر اثر پافشاری مبارزه‌جویانه اعتصابی‌ها تحریری و اکثریتی از کارگران زحمتکش چاپخانه اطلاعات در وهله اول اختلااتی در فیوز برق ماشین چاپ به وجود آمد و سپس یکی از کارگران اعتصابی یرسابقه بیج و مهره کوچک و بسیار حساس ماشین چاپ را خارج کرد و بدین ترتیب چاپ و نشر آن شماره سراپا آغشته به خیانت «اطلاعات» وابسته به گروه ضد اعتصاب میسر نشد. و کلیه نسخه‌های چاپ شده به دست کارگران انقلابی پاره و نابود شد و فقط یک نسخه از آن را یکی از کارگران برای آرشو این جانب مخفی کرد و به من داد که قبل از درج در کتاب خود صفحه اول آن در این جا گراور شده است. همزمان با توقف چاپ شماره مذکور «اطلاعات» از مؤسسه رفیق، یعنی مؤسسه کیهان خبر رسید که اعتصاب کاملاً فراگیر شده است، آنگاه بود که اعتصابی‌های «اطلاعات» بر فشار مبارزه‌جویانه خود افزودند، و بر اثر همت و ندای آنان بود که اعتصاب در مؤسسه «اطلاعات» هم همه‌گیر شد - خاصه آنکه تمام ماشین‌های چاپ و از جمله ماشین‌های چاپ نشریه‌های هفتگی مؤسسه توسط

دارد و در ارتباط با بعضی بخش‌ها، بویژه بخش کشاورزی، سوبسیدهای کارسازی تعیین کرده، زیرا می‌دانند که در این امور، اگر سوبسید لازم را نپردازد، انجام کار برای آن بخش‌ها مشکل و حتی در مواردی محال خواهد بود. با همین دیدگاه است که ما هم اکنون صندوقی به نام «صندوق خسارت» داریم که در مورد کارهای کشاورزی و خسارت دیدگان کشاورزی نه تنها وام، بلکه کمک‌های بلا عوض هم می‌دهیم.

در مورد قسمت سوم سؤال شما، یعنی تخصیص دادن بودجه و اعتباری برای بورسیه دادن به دانشجویان کشاورزی باید بگویم که: خیر، فعلاً چنین امکاناتی نداریم. ولی اگر مواردی پیش آید که نیرویی لازم داشته باشیم و به کارگرفتن این نیرو مستلزم تأمین بورسیه در مرحله آموزش باشد، هیچگونه ابایی نخواهیم داشت و چنین بودجه‌یی را تأمین و پرداخت خواهیم کرد.

■ به طور یقین یکی از وظایف شما مشارکت در تولید است. سؤال ما این است که: آیا شما در امر تولید سرمایه‌گذاری می‌کنید؟ و یا آنکه آیا در یک طرح مشترک، سرمایه‌گذار می‌پذیرید؟ به طور مشخص می‌پرسیم که: اگر یک شرکت خارجی در زمینه شراکت با شما پیشنهادی ارائه دهد، آیا برای شما امکان چنین کاری هست یا خیر؟

■ بله، البته در چهارچوب سیاست‌های خاص مملکت و اجازه مجلس و تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی، امکان چنین کاری برای ما هست. ولی تا به حال چنین نمونه‌یی نداشته‌ایم. از طرفی برای نمایندگان ایرانی شرکت‌های خارجی هم، اگر کارشان بر اساس تعاریف وزارت امور اقتصادی و دارایی، «سرمایه‌گذاری خارجی» محسوب شود، اجازه‌های خاص قانونی خود را لازم خواهد داشت. ولی اگر سرمایه‌گذاری داخلی تلقی شود، روند عادی سرمایه‌گذاری را طی خواهد کرد.

■ بعضی‌ها می‌گویند: وام‌هایی که شما می‌دهید به علت پراکندگی و کوچک بودن (مثلاً ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان) کارساز نیست، بنابراین کشاورزی که آن را دریافت می‌کند، چون نمی‌تواند با آن کار کشاورزی درست و حساسی انجام دهد، این پول را در راههای غیر تولیدی و مصرفی و تجملی خرج می‌کند. مثلاً تلویزیون و فرش و امثال آن می‌خرد. آیا به نظر شما اینگونه وام‌های کوچک می‌تواند منشأ تولید واقع شود و آیا در پشت این وام‌ها، نظارتی صورت می‌گیرد که در راه صحیح خود خرج شوند؟

■ اگر به طور کلی نگاهی به ساختار کشاورزی مملکت بیندازیم و تعداد روستاییانی را در نظر

آوریم که زمین‌شان بیش از ۶ هکتار نیست و به همان نسبت هم نیاز اعتباری آنها را در نظر بگیریم، و باز اگر توجه داشته باشیم که زندگی آنها از همین «زمین» می‌گذرد، قطعاً در خواهیم یافت که این کشاورز مستضعف در صورتی که امکانات قلیلی هم داشته باشد، امروزه نمی‌آید و چنین زمینش را رها کند و دنبال خرید چیزهای غیر ضروری برود. پس، اگر به این کشاورز وام مناسب داده شود و پشت آن نظارتی هم صورت بگیرد (همان‌کاری که ما می‌کنیم) حتماً آن را در راه صحیح خود به کار خواهد برد. حال آنکه اگر همین وام را از مقدار مناسب بیرون آوریم و آن را بیش از حد لزوم پردازیم، امکان هدر رفتن آن هم وجود خواهد داشت. به همین دلیل است که ما وام را در مقادیر زیاد نمی‌پردازیم و کنترل لازم را نیز به کار می‌بریم و دلیل آشکار ما هم روند وصولی‌های ما و بازپرداخت وام‌هایی است که به کشاورزان داده ایم و آنها نیز به موقع خود، اعتبارات دریافتی را به ما برگردانده‌اند.

■ و آخرین سؤال: شما معمولاً برای اموری تسهیلات می‌دهید و وام می‌پردازید که طبق تعاریف علمی، طرح، باشند. ولی در مملکت ما، هم اکنون، هیچ مؤسسه‌یی وجود ندارد که با آن تعاریف، طرح، تهیه کند. حالا آیا فی‌المثل خود من، می‌توانم به عنوان یک کشاورز به کارشناسان شما مراجعه کنم و از آنها بخواهم که طرحی را برایم تهیه کنند؟ ملاحظه می‌کنید که مساله دو بعد دارد: اگر طرحی نباشد، وامی هم نباید باشد، و اگر طرح لازم است، از کجا تهیه شود؟

■ در مورد طرح، در سطوح مختلف، تسهیلات اعتباری مافرق می‌کند. ما بر اساس سابقه کشاورز و پرونده‌یی که نزد ما دارد و دقیقاً مورد بررسی قرار می‌گیرد، هزینه‌های جاری خود را تنظیم می‌کنیم، که نیازی به طرح ندارد. همچنین در مورد هزینه‌های سرمایه‌یی در حد جایگزینی هم، وجود طرح الزامی نیست. ولی برای پروژه‌های بزرگ که نیازمند «طرح» هستند، بانک کشاورزی به طور سنتی خودش طرح می‌دهد و بر این اساس همه کارشناسان ما، دوره طرح نویسی دیده‌اند و قادر به این کار هستند. یک سرمایه‌گذار می‌تواند نیازها، امکانات و برنامه‌هایش را به کارشناسان ما ارائه دهد و این، بانک است که طرح لازم را برای او تهیه می‌کند. لذا ملاحظه می‌فرمایید که بانک کشاورزی به عنوان یک بانک توسعه‌یی با امکانات تخصصی در حد نیاز، ظرفیت تهیه طرح برای مشتریان خود را دارد. و این امر، چه در ارتباط با تولیدکنندگان کوچک و چه در مورد طرحهای بزرگ همچون کشت و صنعت و نظایر آن، با مراعات همه جنبه‌های فنی و اجرایی آن، انجام می‌شود.